

عوامل روانشناختی موثر بر توسعه پایدار

Effects of psychological factors on sustainable (development)

Amir Hossein Minaee

Faculty member of agriculture, Islamic Azad University, Garmsar Branch

Mohammad Sadegh Sabouri

Young Researchers and elit Club, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Shapour Alaei

Dept. of Agriculture, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Abstract

Sustainable agriculture, is kind of farming to pay more attention to keep environment and human, and the factors such as not using chemical in soil fertility or loss pests, is considered. The main goal of this study was examination of psychological factors affecting on view of agricultural experts of province semnan regarding the necessity of using sustainable agriculture. Research is a kind of applicable that has been done by the scientific reason-communication methods. Sustainable population was including agricultural experts employed, in section executive and faculty members of agricultural groups of university semnan. sample size by aid of Cochran formula, 168 people were calculated and for their selection used of method by chance. The main data collection tools was questionnaire that it is validity is based on theories of agriculture teachers and also reliability tools connected preliminary tests, is done and amount of Alfa was 89% .for data analysis used from software SPSSwin18 and correlation tests and multiple Regression. Result showed between the variables considering to the interest of operators. learning to agricultural stabilization, attention to the needs of operators, positive attitude to protect natural resources with variable attitude of experts in connection with necessity using sustainable agriculture, in level of 95%, there will be a significant relationship. The relation for the amount of variable awareness of the impact of conventional farming on environmental degradation, awareness of the benefits of sustainable agriculture, encouraging operators to perform sustainable cultivation with attitude variable of experts, regarding the necessity of using sustainable agriculture, was stable are 99%. Analysis result and regression showed that among the independent variables, the first variable, it means amount of awareness of the impact of conventional agriculture on environmental degradation, was the most psychological reason in the necessity of applying the sustainable development. After that, encouraging the variable operators to do sustainable agriculture, and the variables awareness of the benefits of sustainable agriculture, attention to operational needs, learning for agricultural stabilization, had the most roles in dependent variable that explained the 35/1% of dependent variable.

Keywords: sustainable Development, Psychological factors, sustainable agriculture Semnan Province

امیرحسین مینائی

عضو هیات علمی گروه کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران

محمدصادق صبوری

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، گرمسار، ایران

Sabouri5413@yahoo.com

شاپور علایی

مدرس گروه کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران

چکیده

کشاورزی پایدار، آن نوع کشاورزی است که به حفظ محیط زیست و انسان توجه بیشتری نموده و عواملی مانند عدم استفاده از مواد شیمیایی در حاصلخیزی خاک یا از بین بردن آفات، مطرح می باشد. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی عوامل روانشناسانه موثر بر دیدگاه متخصصان کشاورزی استان سمنان در خصوص ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار بود. تحقیق از نوع کاربردی است که به روش علی ارتباطی انجام شد. جامعه آماری شامل کارشناسان کشاورزی شاغل در بخش اجراء و اعضای هیئت علمی گروههای کشاورزی دانشگاههای استان سمنان بود. حجم نمونه به کمک فرمول کوکران ۱۶۸ نفر محاسبه و برای انتخاب آنها از روش تصادفی ساده استفاده شد. ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن بر اساس نظرات اساتید کشاورزی و پایداری ابزار نیز با آزمون مقدماتی انجام و مقدار آلفا ۸۹٪ شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSSwin18 و آزمونهای همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. یافته هان نشان داد بین متغیرهای توجه به علائق بهره برداران، یادگیری جهت پایداری کشاورزی، توجه به نیازهای بهره برداران و نگرش مثبت به حفظ منابع طبیعی با متغیر نگرش متخصصان در رابطه با ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی دار وجود داشت. این رابطه برای متغیرهای میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست، آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار و تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار با متغیر نگرش متخصصان در خصوص ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار در سطح ۹۹ درصد معنی دار بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان متغیرهای مستقل، اولین متغیر یعنی میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست بیشترین دلیل ضرورت روانشناسانه در ضرورت بکارگیری توسعه پایدار بود. پس از آن متغیر تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار و سپس متغیرهای آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار، توجه به نیازهای بهره برداران و یادگیری جهت پایداری کشاورزی، دارای بیشترین نقش بر متغیر وابسته بودند که ۳۵/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمودند.

واژه های کلیدی: توسعه پایدار، عوامل روانشناختی، کشاورزی پایدار، متخصصان

کشاورزی، استان سمنان

مقدمه

کشاورزی مهمترین و ضروری ترین بخش تأمین مایحتاج زندگی انسان و از عوامل و زیربنای اقتصادی و استقلال هر کشوری محسوب می شود. مطالعات نشان می دهد به رغم افزایش سیر مهاجرت از روستاها به شهرها، فشار شدید بر بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته و این بخش می باید سهم بیشتری از ایجاد اشتغال، تأمین درآمد، تأمین غذا و پوشاک را در نظر داشته باشد لذا توسعه کشاورزی اثر مستقیمی بر زندگی و حیات انسانها ایفا می کند (زمانی پور، ۱۳۸۰).

بسیاری از دانشمندان مفهوم کشاورزی را بسیار وسیع دانسته و آنرا شامل بخشهای باغبانی، شیلات، جنگلداری، مراتع، دامپروری و... می دانند. مواردی چون امنیت غذایی، حیات انسانی، تأمین مواد اولیه صنعت، اشتغال به کار تعداد زیادی از افراد فعال جامعه، در ابتدا با توجه به وسعت اراضی و تعداد محدود جمعیت انسانی، تولید به نحو منطقی و با رعایت احترام متقابل با محیط زیست صورت می پذیرفت ولی بتدریج با گسترش جمعیت انسانی، افزایش دانش بشری، وجود ناملازمات اقلیمی و جوی چون خشکسالیها و قحط سالیهای مختلف، توجه به افزایش تولید و به طور عام تولید بخش کشاورزی صنعتی متکی بر انرژی های غیر مستقیم چون سوختهای فسیلی، نیروی ماشینی به جای انسان، رشد جمعیت انسان و... باعث بوجود آمدن کشاورزی صنعتی در کشورهای توسعه یافته و کشاورزی انقلاب سبز متکی بر فن آوری و دانش فنی استفاده از کودهای شیمیایی، آفت کشهای شیمیایی، بزور اصلاح شده مکانیزاسیون در کشورهای جنوب گردید (کارل، ایچرو استانز، ۲۰۰۱).

توسعه کشاورزی بدلیل بهبود و افزایش کمیت و کیفیت تولید، ایجاد اشتغال و درآمد، محرک و تداوم بخش توسعه کشورها محسوب می شود (موتا، ۲۰۰۵ و زمانی پور، ۱۳۸۰).

به اعتقاد لیسون (۲۰۰۲) توسعه پایدار پارادایم نوینی است که در اواخر قرن بیستم، راههایی را فراروی انسانها باز می کند و از آن جهت که در آن محوریت توجه به انسان و رفع نقاط ضعف توسعه نیافتگی مانند تخریب محیط زیست، بی توجهی به زنان، کودکان، افزایش فقر، بی عدالتی و... می باشد و لذا محوریت را در بقاء انسان و مجموعه حیات و تداوم آن در نسلهای بعد می بیند. توسعه پایدار با دیدگاهی کلی به معنای احترام متقابل انسان و محیط می باشد که به مصرف منابع طبیعی به نوعی که سایر نسلها بتوانند از منابع به نحو کارایی استفاده کنند می اندیشد. با این دیدگاه کلی، کشاورزی نوین، به حل مشکل کشاورزی متداول که تخریب های جدی زیست محیطی را ایجاد کرده است، توجه دارد.

توسعه ای که در جهت رفع نیازهای نسل کنونی است بدون این که توانایی های نسل آینده را در رفع نیازهایشان کاهش دهد. از این معنی، گزینش راهبردهای توسعه ای برداشت می شود که سبب حفاظت از کارکرد محیط زیست و همچنین حفاظت از جوامع سنتی می گردد (کریمی و منصورآبادی، ۲۰۰۷).

بنابراین منظور از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نبوده و مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است. رشدی که عدالت و امکانات زندگی را برای تمام مردم جهان و نه تعداد اندکی افراد برگزیده است. در فرآیند توسعه پایدار، سیاستهای اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و غیره به گونه ای طراحی می شود که توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را تداوم بخشد. بر این اساس دیگر نمی توان برای تأمین مصارف جاری، بدهی های اقتصادی که باز پرداخت آن بر عهده نسلهای آینده است، ایجاد کرد. در نهایت توسعه پایدار به معنی عدم تحمیل آسبهای اقتصادی، اجتماعی و یا زیست محیطی به نسلهای آینده است.

امروزه در سراسر جهان، نگرانی های روزافزونی در خصوص اثرات مخرب فناوری های کشاورزی نوین بر روی محیط زیست و منابع طبیعی و نیز قابلیت پایداری بلند مدت سیستم های زراعی وجود دارد. آلودگی و فرسایش خاک، آلودگی آب، استفاده بیش از حد از مواد شیمیایی، هرزرفت آب، کاهش ذخیره سفره های آب زیرزمینی، تخریب زیست بومهای طبیعی حیات وحش و مقاوم شدن

آفات به آفت کشها تنها بخش کوچکی از نگرانی های متخصصان محیط زیست، اکولوژیستها، متخصصان کشاورزی، سیاستگذاران و عموم مردم هستند. به رغم این اثرات زیست محیطی، کشاورزی نوین در بسیاری از تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای صنعتی و جهان سوم نیز دخیل بوده است که می توان به از دست رفتن مشاغل، جابجایی فرصت های اقتصادی از زنان به مردان، تخصصی شدن فزاینده معیشت، دولتی شدن نهادهای روستایی و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد.

این نگرانی ها بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته است تا با نگاهی ژرف تر به فعالیت های کشاورزی بنگرند و بادر نظر گرفتن این معضلات فنی، اجتماعی و اقتصادی راه هایی را برای مقابله با این معضلات و سالم سازی فعالیت های کشاورزی ارائه کنند. لازمه کاهش و یا تعدیل این بحرانهای زیست محیطی و در کنار آن معضلات اجتماعی و اقتصادی، توجه به مقوله پایداری و توسعه پایدار در کشاورزی است.

لویس (۲۰۰۴) اعتقاد دارد کشاورزی پایدار به عنوان یک فلسفه مدیریتی و سیستم فراهم کننده نیاز های کشاورزی نسل حاضر و آینده در پاسخ به این ناملازمتی ها و معضلات طبیعی و انسانی به عنوان چالش عمده قرن ۲۱ ظهور نموده است و به این مفهوم است که کشاورزی باید کمتر مصرف کننده و بیشتر پایدار باشد.

این مطالعه بدنال طراحی مدل امکان بکارگیری کشاورزی پایدار بر اساس عوامل روانشناسانه از دیدگاه متخصصان کشاورزی استان سمنان می باشد.

روش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی است، زیرا یافته های آن رامی توان به منظور بهبود فعالیت های ترویج در توسعه کشاورزی کشور مورد استفاده عملی قرارداد. همچنین بر حسب روش و چگونگی به دست آوردن داده های مورد نیاز از نوع میدانی می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۴۵۰ نفر از متخصصان کشاورزی استان سمنان می باشد که در مقاطع بالاتر از کارشناسی کشاورزی تحصیل کرده و در مراکز علمی - اجرایی و یا خصوصی مرتبط با بخش کشاورزی مشغول کار باشند. در تحقیق حاضر برای برآورد حجم نمونه، تعداد ۳۰ نفر از متخصصان کشاورزی استان تهران، انتخاب و پس از اخذ نظرات آنان از طریق پرسشنامه، انحراف معیار محاسبه و $S = 0.398$ بدست آمد. دقت احتمالی مطلوب با توجه به افزایش دقت و مشورت با اساتید اهل فن $d = 0.05$ در نظر گرفته شد. به این ترتیب حجم نمونه از جامعه متخصصان در استان سمنان ۱۵۰ نفر تعیین شد. با توجه به این که فرمول کوکران کمترین حجم نمونه را بدست می دهد و بدلیل افزایش اطمینان، تعداد به ۱۸۰ نفر افزایش یافت که در نهایت ۱۶۸ پرسشنامه قابل تحلیل در اختیار قرار گرفت. این تعداد نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند.

متغیر وابسته تحقیق، نگرش نسبت به امکان بکارگیری کشاورزی پایدار است و متغیرهای مستقل تحقیق نیز عوامل روانشناختی شامل نگرش به حفظ منابع طبیعی، توجه به نیازهای بهره برداران، میزان اعتماد به نفس بهره برداران، تشویق آنها به انجام کشت پایدار، اهمیت دادن به نیاز مردم در تولید، آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار، میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست، توجه به علائق بهره برداران، میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار، نگرش مثبت به سلامت انسانها و یادگیری جهت پایداری سازی کشاورزی می باشد.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره به عنوان اساسی ترین فعالیت آماری این تحقیق بدنال شناسائی نقش عوامل روانشناسانه در امکان بکارگیری توسعه کشاورزی پایدار بود.

نتایج یافته ها

در بررسی آمار توصیفی، بیشترین فراوانی سن کارشناسان در طبقه ۳۱-۴۰ سال می باشد که با ۶۲ نفر، ۳۶/۹ درصد از کل جامعه پاسخگورا شامل می شود. پس از این گروه بیشترین فراوانی متعلق به گروه ۴۱-۵۰ سال می باشد که ۳۵/۱ درصد جامعه هستند. میانگین سنی کارشناسان مورد مطالعه ۴۳/۴۲ سال می باشد. به طور کلی، کارشناسان در سنین پویائی و تجربه مناسب قرار دارند. مسن ترین کارشناس دارای ۵۷ سال سن و جوانترین فرد نیز ۲۳ ساله بود.

اکثریت متخصصان کشاورزی با ۱۴۷ نفر (۸۷/۵ درصد) دارای جنسیت مرد و ۱۰/۷ درصد جامعه آماری نیز خانم هستند و ۳ نفر (۱/۸ درصد) نیز به این سؤال پاسخ نداده اند.

مطابق اطلاعات جمع آوری شده، ۱۵۳ نفر (۹۱/۱ درصد) از کارشناسان مورد مطالعه متاهل و دارای مسئولیت خانوادگی و ۱۰ نفر (۶ درصد) آنان مجرد بودند. ۵ نفر به این سؤال پاسخ نداده اند.

بر اساس مشاهدات جدول ۴، ۱۰۲ نفر (۶۰/۷ درصد) از افراد مورد بررسی در کارشناسی و ۳۵ نفر (۲۰/۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲۱ نفر (۱۲/۵ درصد) در سطح کاردانی و ۸ نفر (۴/۸ درصد) نیز در مقطع تحصیلی دکتری بوده اند. دو نفر نیز به این سؤال پاسخی نداده اند.

جدول ۱. اولویت بندی عوامل روان شناختی موثر بر امکان بکارگیری کشاورزی پایدار

عوامل روان شناختی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست	۴/۹	۰/۸۷	۰/۱۷۸	
آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار	۴/۶	۰/۹۱	۰/۱۹۸	
توجه به علائق بهره برداران	۴/۳	۰/۸۹	۰/۲۰۷	
تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار	۴/۴	۰/۹۷	۰/۲۲۰	
یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی	۴/۱	۰/۹۹	۰/۲۴۱	
توجه به نیازهای بهره برداران	۴/۲	۱/۰۵	۰/۲۵۰	
نگرش نسبت به سلامت انسانها	۴	۱/۰۹	۰/۲۷۳	
نگرش نسبت به حفظ منابع طبیعی	۴/۱	۱/۱۳	۰/۲۷۶	
اهمیت دادن به نیاز مردم در تولید	۳/۸	۱/۱۴	۰/۳۰۰	
میزان اعتماد به نفس بهره برداران	۳/۹	۱/۱۹	۰/۳۰۵	
میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار	۳/۳	۱/۲۱	۰/۳۶۷	

بر اساس جدول ۱، متغیرهای روان شناختی میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست با میانگین (۴/۹) و انحراف معیار (۰/۸۷)، آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار با میانگین (۴/۶) و انحراف معیار (۰/۹۱) و توجه به علائق بهره برداران با میانگین (۴/۳) و انحراف معیار (۰/۸۹) دارای بالاترین اولویت جهت بکارگیری کشاورزی پایدار بوده اند. در حالی که متغیرهای اهمیت دادن به نیاز مردم در تولید با میانگین (۳/۸) و انحراف معیار (۱/۱۴) میزان اعتماد به نفس بهره برداران با میانگین (۳/۹) و انحراف معیار (۱/۱۹) میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار با میانگین (۳/۳) و انحراف معیار (۱/۲۱) پایین ترین اولویت را در بکارگیری کشاورزی پایدار داشته اند.

جدول ذیل، نشان دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته اول تحقیق یعنی نگرش متخصصان در رابطه با توسعه کشاورزی پایدار می باشد که بر این اساس یافته هانشان می دهد بین متغیرهای توجه به علائق بهره برداران، یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی، توجه به نیازهای بهره برداران و نگرش مثبت به حفظ منابع طبیعی با متغیر نگرش متخصصان در رابطه با ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی دار وجود دارد. این رابطه برای متغیرهای میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست، آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار و تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار با متغیر نگرش متخصصان

درخصوص ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار در سطح ۹۹ درصد رابطه معنی دار وجود دارد. بین متغیرهای نگرش نسبت به سلامت انسانها، اهمیت دادن به نیازمردم در تولید، میزان اعتماد به نفس بهره برداران و میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار با متغیر وابسته تحقیق، رابطه ای مشاهده نشد.

جدول ۲. بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای موجود در مطالعه با نگرش متخصصان در رابطه با توسعه کشاورزی پایدار

متغیر	r	p
میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست	۰/۴۳۶**	۰/۰۰۰
آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار	۰/۳۶۱**	۰/۰۰۵
میزان توجه به علائق بهره برداران	۰/۲۵۳*	۰/۰۱۸
تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار	۰/۳۸۵**	۰/۰۰۰
یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی	۰/۱۴۳*	۰/۰۴۱
توجه به نیازهای بهره برداران	۰/۲۲۷*	۰/۰۲۸
نگرش نسبت به سلامت انسانها	۰/۱۰۱	۰/۰۵۷
نگرش نسبت به حفظ منابع طبیعی	۰/۱۴۱*	۰/۰۳۴
اهمیت دادن به نیازمردم در تولید	۰/۱۰۱	۰/۰۷۵
میزان اعتماد به نفس بهره برداران	۰/۰۷۷	۰/۱۰۸
میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار	۰/۰۸۱	۰/۰۸۹

* در سطح ۰/۰۵ معنی دار ** در سطح ۰/۰۱ معنی دار

برای پی بردن به میزان نقش آفرینی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ضرورت بکارگیری توسعه پایدار، مبادرت به انجام تحلیل رگرسیون گام به گام گردید. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که برای متغیر وابسته ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار، از میان متغیرهای مستقل، اولین متغیر یعنی میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست بیشترین دلیل ضرورت روانشناسانه در ضرورت بکارگیری توسعه پایدار بود. پس از آن متغیر تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار و در چرخه معادله گردید و پس از این متغیر، متغیرهای آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار، توجه به نیازهای بهره برداران و یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی، دارای تاثیر معنی داری بر متغیر وابسته بودند و به طور کلی متغیرهای مستقل مذکور با توجه به ضریب تعیین (R^2) ، ۳۵/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمودند.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون چند متغیره گام به گام - متغیر ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار

عنوان متغیر	ضرایب	خطای معیار	ضرایب استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	۷/۳۶۴	۱/۹۵۷	-	۶/۰۰۲	۰/۰۰۰
میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست	۰/۵۳۷	۰/۱۰۸	۰/۴۶۸	۵/۸۳۴	۰/۰۰۰
تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار	۰/۴۳۱	۰/۱۱۱	۰/۳۸۶	۴/۳۲۴	۰/۰۰۰
آگاهی از مزایای کشاورزی پایدار	۰/۴۰۳	۰/۱۲۴	۰/۳۵۷	۳/۷۴۳	۰/۰۰۱
توجه به نیازهای بهره برداران	۰/۲۸۵	۰/۱۳۸	۰/۲۰۲	۳/۴۵۱	۰/۰۱۱
یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی	۰/۱۸۴	۰/۱۸۷	۰/۱۵۳	۲/۹۸۶	۰/۰۳۷
		$F=38/746^{**}$	$R^2 \text{ adj}=0/273$	$R2=0/351$	$R=0/571$

به طور کلی با استفاده از نتایج جدول ۳ می توان معادله رگرسیونی زیر را برای کل جامعه نمونه ارائه داد:

$$Y = a + bX_1 + bX_2 + \dots + bX_n$$

تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار (۰/۵۲۱) + میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست (۰/۵۳۷) +
 $Y=7/364$
 یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی (۰/۱۸۴) + توجه به نیازهای بهره برداران (۰/۲۸۵) + آگاهی آزمایای کشاورزی پایدار
 (۰/۴۰۳) +

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های تحقیق، متغیرهای توجه به علائق بهره برداران، یادگیری جهت پایدارسازی کشاورزی، توجه به نیازهای بهره برداران و نگرش مثبت به حفظ منابع طبیعی با متغیر نگرش متخصصان در رابطه با ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار دارای معنی دار بودند. که این یافته ها مطابق با نظرات اسناپ و همکاران (۲۰۰۳) و سعید (۲۰۰۳) بود.
 همچنین بین متغیرهای میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست، آگاهی آزمایای کشاورزی پایدار و تشویق بهره برداران به انجام کشت پایدار با متغیر نگرش متخصصان در خصوص ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار رابطه معنی دار وجود دارد. این یافته ها توسط نتایج تحقیقات ویلیامز (۲۰۰۰) و ورسکور و همکاران (۲۰۰۵) تایید شده است.
 بین متغیرهای نگرش مثبت به سلامت انسانها، اهمیت دادن به نیاز مردم در تولید، میزان اعتماد به نفس بهره برداران و میزان تعهد بهره برداران به توسعه پایدار با متغیر وابسته تحقیق، رابطه ای مشاهده نشد.
 میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست بیشترین نقش آفرینی را از لحاظ متغیرهای روانشناسانه در بکارگیری کشاورزی پایدار توسط کشاورزان داشته است. به طور کلی آگاهی از نتایج یا ابعای یک پدیده در تصمیم سازی درست و منطقی نقش اساسی ایفا می کند که این مهم توسط ویلینگا (۲۰۰۰) و وورت (۲۰۰۶) تایید شده است.

پیشنهادات

- بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام، مهمترین متغیر در ضرورت بکارگیری توسعه پایدار، میزان آگاهی از تاثیر کشاورزی متعارف بر تخریب محیط زیست بود. لذا به منظور توجه سازمان یافته کشاورزان به کشاورزی پایدار، ضرورت دارد ابعاد تخریب محیط زیست به نحو موثر به اطلاع کشاورزان رسانده شود که با توجه به بی سواد یا کم سواد کشاورزان، بهتر است از روشهای نمایش فیلمها و برنامه های تلویزیونی و برنامه های رادیویی و همچنین مروجان کشاورزی استفاده گردد. به اعتقاد متخصصان جلب توجه و ارائه آگاهی در خصوص ابعاد و میزان تخریبها در اولویت اطلاعاتی قرار داده شده است که می تواند در واقع نوعی نیازسنجی تلقی گردد.
- بهتر است کلاسهای توجیهی مناسب برای کارشناسان و متخصصان انجام شود تا اعتقاد قلبی و عمیق به توسعه کشاورزی پایدار برای این متخصصان بیش از پیش دارای اولویت و اهمیت گردد.
- استفاده از روشهای تشویقی، نقش مهمی در بکارگیری کشاورزی پایدار از دید متخصصان دارد، لذا پیشنهاد می گردد از مشوقهای پایدار مانند تضمین خرید محصولات بانرخ بالاتر و در اختیار قرار دادن امکانات لازم تولیدی به کشاورزان استفاده شود.
- آگاهی آزمایای کشاورزی پایدار یکی دیگر از متغیرهای مهم و نقش آفرین در تغییر فکر کشاورزان برای کشت پایدار تلقی می گردد. لذا پیشنهاد می شود در رسانه های جمعی و عمومی در تبلیغ و ترویج مزایای این نوع کشاورزی به عموم مردم و بویژه کشاورزان اطلاعات مناسب و کاربردی ارائه گردد.

- توجه به نیازهای مخاطبان بخش کشاورزی در ضرورت بکارگیری کشاورزی پایدار از ابعاد روانشناسانه بسیار مهم تلقی شده است. لذا پیشنهاد می گردد، نیازسنجی مناسبی در ابعاد فنی، مهارتی، نگرشی و مدیریتی در بین کشاورزان صورت گیرد و بایک برنامه کاربردی اقدام به توسعه کشاورزی پایدار گردد.

- با توجه به ضرورت یاددهی کشاورزی پایدار به کشاورزان (با توجه به ابعاد فنی که در این نوع کشاورزی وجود دارد) پیشنهاد می گردد با توجه به علاقه پایین کشاورزان به شرکت در کلاسهای حرفه ای و تخصصی، از نیازهای کشاورزان و روشهای عملی و تسهیلگری استفاده گردد.

منابع

- زمانی پور، ا. (۱۳۸۰). ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. چاپ سوم. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- کارل، ک، ایچر، ج و استاتز، ام. (۲۰۰۱). توسعه کشاورزی در کشورهای جهان سوم. (ترجمه کریم درویشی، کورش تاجی، ابراهیم عبقری، شهرداد پور افشار و احمد حجاران). تهران: مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی.
- Karami ,E & Mansoorabadi ,A.(2007). Sustainable agricultural attitudes and behaviors: a gender analysis of Iranian farmers. Environ Dev Sustain DOI 10.1007/s10668-007-9090-7. Springer Science.
- Lyson, T. A. (2002). Advanced agricultural biotechnology and sustainable agriculture. TRENDS in Biotechnology .Vol.20 No.5. pp193-196.
- Leeuwis, C. (2004), Communication for Rural Innovation: rethinking agricultural extension, Iowa: Blackwell.
- Motha . R ,P. (2007). Development of an agricultural weather policy. Agricultural and Forest Meteorology 142 303–313. Available www.elsevier.com/locate/agrformet.
- Saiyid ,A.(2003). HUMAN DEVELOPMENT IN SOUTH ASIA 2002. Agriculture and Rural Development. Bangalore Town: Oxford University Press. pp101-113.
- Snapp, S.S , Blackie ,M.J& Donovan b, C.(2003). Realigning research and extension to focus on farmers' constraints and opportunities. Available on www.elsevier.com/locate/foodpol.
- Tripathi, B, D. (2003). Agricultural Extension Personnel in New Millennium - A Prospective View. Available on [www.manage.gov.in/manage lib/ faculty/ BDT\(2\).htm](http://www.manage.gov.in/manage/lib/faculty/BDT(2).htm).
- Verschoor, A-J ,Rooyen ,J .v&'Haese, L, D.(2005). New agricultural development criteria: a proposal for project design and implementation. Available on www.Development Southern Africa. Vol. 22, No. 4. pp54-63.
- Williams, D.L. (2000). Student's knowledge of and expected impact from_ sustainable agriculture. Journal of Agricultural Education 41(2): 19-24.
- wilinga, E.(2000). Rural Extension in Vital Network Changing Roles of Extension in Dutch Agriculture. Journal of International Agricultural and Extension Education. Volume 7 Number 1. Available on <http://www.aiaee.org/index.htm>
- Worth. S.H.(2006). Agriflection: A Learning Model for Agricultural Extension in South Africa. Journal of Agricultural Education and Extension. Available on [www. The Journal of Agricultural Education and Extension](http://www.The Journal of Agricultural Education and Extension). 12(3):179_193.

